

WHAT
WE SHOULD
KNOW ABOUT
THE PEOPLE
WE DON'T
KNOW

گفتگو با غریبه‌ها



مترجم:
مهیار مقدم

هرآنچه که لازم است راجع به
کسانی که نمی‌شناسیم بدانیم

مالکوم
گلدول

فهرست

۱۳	یادداشت نویسنده
۱۵	مقدمه «ار ماشین بیا بیرون»
	بخش اول حاسوس‌ها و دیپلمات‌ها دو معما
۳۱	فصل ۱ انتقام فیدل کاسترو
۴۳	فصل ۲ آشناسدن نارهر
	بخش دوم پیش‌فرض حقیقت
۶۷	فصل ۳ ملکه کونا
۱۰۱	فصل ۴ درویش
۱۱۹	فصل ۵ مورد مطالعه پسری در حمام
	بخش سوم شفافیت
۱۵۵	فصل ۶ سسسطه سربال فرندر
۱۷۷	فصل ۷ توضیحی کوتاه درباره پرونده آماندا ناکس
	بخش چهارم دروس
	فصل ۸ کی‌اس‌ام چه اتفاقی رخ می‌دهد زمانی که عریبه یک بروریست
۱۹۵	است

بحش پبحم روحیت

۲۲۱	فصل ۹ سیلویا پلات
۲۴۷	فصل ۱۰ مورد مطالعاتی آرمایش های کابراس سیتی
۲۵۹	فصل ۱۱ ساندرا نلاند

«ار ماشین بیا بیرون»

۱

در حوالی ۲۰۱۵، یک زن حوان آفریقایی آمریکایی به نام ساندرا بلاند^۱ از رادگاه خود، شیکاگو، به شهری کوچک در یک ساعتی هوستون تگراس رفت او برای مصاحبه‌ای شعلی در دانشگاه پریرویوای اندام،^۲ که چند سال پیش از آن فارغ التحصیل شده بود، اقدام کرده بود او قد بلند و موقر بود و شخصیتی مطابق با ظاهرش داشت او در گروه رژه و داوطلب یک گروه ارشد بود همچین او معمولاً ویدئوهایی کوتاه و انگیرشی در یوتیوب با عنوان «سندی صحبت می‌کند» پست می‌کرد که عموماً با جمله «صبح‌به‌خیر، پادشاهان و ملکه‌های ریپای من» شروع می‌شد

امروز حداراشکر می‌کسم، قطعاً به فقط به این خاطر که تولدمه، بلکه به خاطر اتفاقات مختلفی که در زندگی من، در یک سال گذشته، رقم خورده است برای بیست و هشت سالی که در این زمین بوده‌ام و تمام چیزهایی که به من شان داده است با اینکه اشتباهاتی مرتکب شدم و مطمئناً خرابکاری کردم، اما او همچنان من را دوست دارد و می‌خواهم پادشاهان و ملکه‌های من بدانند که او آن‌ها را بی‌دوست دارد

1 Sandra Bland

2 Prairie View A&M

نلاند من دیگر به حر معرفی خودم با شما حرفی نمی‌زنم (مکالمه متقابل) من برای یک راه‌مانردن دارم دستگیر می‌شم؟
اسیسیا پیاده شید یا من شمارو دستگیر خواهم کرد من به شما دستور قانونی می‌دهم همین الان پیاده شید یا من شمارو دستگیر می‌کنم
نلاند من نا وکیلتم تماس می‌گیرم

نلاند و اسیسیا مدت زیادی به بحث ادامه دادند احساسات افزایش یافت

اسیسیا من شمارو بیرون می‌ارم (به سمت داخل خودرو می‌رود)
نلاند ناشه، شما می‌خواید من رو بیرون بیارید؟ ناشه، قبوله
اسیسیا (نا پشتیبایی تماس می‌گیرد) ۲۵۴۷
نلاند بیا انحامش بده

اسیسیا نله، همس کاررو خواهم کرد
نلاند نه من دست برن!

اسیسیا ار ماشین بیا بیرون!

نلاند نه من دست برن دست برن! من نارداشت بیستم شما حق بیرون آوردن من از ماشین رو ندارید
اسیسیا شما نارداشت هستید!

نلاند من نارداشتتم؟ برای چی؟ برای چی؟ برای چی؟

اسیسیا (نا بی‌سیم) ۲۵۴۷ شهرستان FM ۱۰۹۸ (حش حش) یک واحد دیگه به سمت من نفرستید (نه نلاند) ار ماشین بیا بیرون! همین حالا ار ماشین بیا بیرون!

نلاند چرا من دارم دستگیر می‌شم؟ شما دارید برای استفاده نکردن ار من رو حریمه می‌کید

نلاند نه شعلش در پریروییوای اندام دست یافت و سربلند شده بود هدف او گرفتن مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی در کنار شعلش بود در بعدازظهر دهم حولای، او دانشگاه را ترک کرد تا کمی حواروبار بچرد و ار سمت راست به اتوبان رفت تا محوطه دانشگاه را دور برسد او با دستور پلیس ماشین خود را کنار کشید نام پلیس، برایان اسیسیا بود، سفید پوست، موهای کوتاه مشکی و سی ساله او که -حداقل در نگاه اول- مودب بود، نه نلاند گفت که هنگام دورزدن ار راهما استفاده نکرده است و ار او چند سوال پرسید نلاند پاسخ داد سپس سیگاری روشن کرد و اسیسیا ار او خواست تا آن را خاموش کند تمام مکالمات این دوار طریق دوربسی که روی داشبورد قرار داشت، ضبط شده و در یوتیوب به صورت‌های مختلف دیده شده بود

نلاند من توی ماشین خودمم، چرا ناید سیگارم رو خاموش کنم؟

اسیسیا ح، می‌توید ار ماشین پیاده شید

نلاند من محور بیستم ار ماشینم پیاده شم

اسیسیا ار ماشین پیاده شید

نلاند چرا ناید

اسیسیا ار ماشین ناید بیرون!

نلاند نه، شما حق این کاررو ندارید نه، شما حق انحام این کاررو ندارید

اسیسیا من این حق رو دارم پیاده شید و گرنه محور می‌شم دستگیرتون کنم